

محدوده حجاب از نظر علمای دینی

نویسنده: زهرا امیری^۱

چکیده

واژه «حجاب» و مترادفات آن در برخی از آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان اسلام و بیشتر از آن در بسیاری از متون مهم عرفانی مکرر بکار رفته است. در این مقاله با بررسی و تفحص در کتب فقهی آیات و روایات و کاربرد واژه حجاب و محدوده حجاب مورد بررسی قرار گرفته است. و منظور فقها از محدوده حجاب و تبیین دقیق آن توضیح داده می شود و نیز بدین مطلب پرداخته شود که اصولاً چه نسبت و رابطه ای بین حجاب محدوده آن و نظر فقها با تکیه بر آیات و روایات برقرار است. همچنین با توجه به زمینه بحث، از اصطلاحات مرتبط - همچون «جلباب» و «حجاب» - بررسی می شود تا مشخص شود که معنی و مفهوم محدوده حجاب، از منظر فقها که در تحلیل آیات و روایات بکار رفته، سازگاری و تطابق دارد یا خیر؟ از این بررسی، نتیجه می شود که پوشش مورد نظر فقها از واژه های قرآنی - همچون حجاب - استفاده شده و از آن اصطلاح محدوده حجاب ساخته اند و به معنای مورد نظر خود بکار گرفته اند. پوشش و حجاب به مثابه رسانه ای ارتباطی و به عنوان کنشی اجتماعی، از یک سو تحت تاثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر، متاثر از کنشگران اجتماعی اعم از زن و مرد می باشد. در طی سال های قبل از اسلام و پس از اسلام تا بعد از انقلاب، بر اثر آسیب پذیری درونی جامعه و تهدیدهای بیرونی، انتقال فرهنگی حجاب با اختلال مواجه گردید و عدم رعایت حجاب اسلامی، موجب جریحه دار ساختن وجدان جمعی و تبدیل آن به عنوان مساله ای اجتماعی شد. لذا وضعیت فعلی پوشش زنان در جامعه با تدقیق در فرآیند تغییرات ارزشی جامعه از فرامادی به مادی، توسعه شتابان، برونزا و نامتوازن دوران پس از پایان جنگ تحمیلی قابل تبیین می باشد. مساله حجاب به عنوان آسیبی اجتماعی، در سطح جامعه و نمادی از مسایل اجتماعی، در عمق جامعه است که اصلاح و ترمیم آن، نیازمند مهندسی فرهنگی و اتخاذ سیاست های فرهنگی و اجتماعی در این راستا است لذا هدف ما در این مقاله محدوده حجاب است که باید از منظر علما بررسی شود تا یک جامعه بتواند بر مبنای دینی آن عمل کند.

کلید واژه: حجاب، محدوده حجاب، علما

^۱ طلبه سطح ۲ حوزه علمیه بنت الرسول سلام الله علیها. Zahra1377Amiri@gmail.com

مقدمه

در این مقاله سعی ما بر بیان محدوده حجاب از نظر علمای شیعه و اهل تسنن است، لذا یکی از دستوره‌های عمومی، حکم پوشش برای مردان و زنان است، ولی آنچه که در زمانهای اخیر حساسی آنها را برانگیخته و مسأله ساز شده، خصوص حجاب زنان و محدوده آن است. که در زمان قبل از اسلام اهمیتی چندان به آن داده نشده بود و بعد از اسلام رنگ و بوی خاصی گرفت و در گذر زمان تغییراتی در پوشش زنان بخاطر شرایط زمانه گرفته شده بود. با ورود پدیده تجدد و مباحث روشنفکری به جهان اسلام اعم از جهان عرب و غیرعرب، حجاب بانوان دچار چالشی فراگیر شده و جالب توجه این که برخی با دفاع متجددانه از شریعت به مخالفت با شیوه مرسوم و رایج از حجاب پرداخته و با نگاهی متفاوت، آیات و روایات وارده را تفسیر کرده اند. با تحقق انقلاب اسلامی و درگیر شدن برخی احکام اسلامی با روابط اجتماعی، حساسیت این مسأله بیشتر شده است، به ویژه، در حال حاضر حجاب به نماد هویت زنان مسلمان تبدیل شده و در دهه های اخیر مورد توجه خاص محافل فکری، فرهنگی و مطبوعاتی قرار گرفته است.

در این مقاله بصورت تخصصی و با بیان کلی محدوده حجاب با روش تحلیلی و توصیفی و با رویکرد کیفی و کتابخانه ای مورد بررسی قرار گرفته است که به نظرم در سایر مقالات با این عنوان، اینگونه بهش پرداخته نشده بود. موضوع حجاب و محدوده شرعی آن از مهم ترین موارد و موضوعات در نزد فقیهان و علمای دینی اسلام می باشد با تحقیق پیرامون بحث مورد نظر و با دقت نظر در مقالات مختلف به مواردی مانند " حدود پوشش در آموزه های دینی " نوشته جواد جمشیدی و اعظم سادات فاطمی و " واکاوی مبانی و آراء فقها امامیه درباره حدود پوشش زنان " از مهدی زارع و محمد رضا بهدار و کتب مهمی مانند "حجاب " و " نظام حقوق زن در اسلام " مرتضی مطهری بر می خوریم که بطور قابل تاملی حجاب و الزامات آن را بطور کلی مورد بحث قرار داده اند وجه تمایز تحقیق پیش رو با در نظر گرفتن اهمیت کتب و مقالات فوق الذکر و استعانت از آن در فهم بهتر موضوع ،مورد بحث قرار دادن اندیشه علمای دین اسلام با توجه به نظر اعظم علما و فقهای شیعه و اهل سنت و گستردگی استفاده از نظر دیگر علما در مقایسه با موارد مذکور و پرداختن به جزئیات بیشتر آن می باشد هدف ما در این مقاله پس از توضیح واژه های قرآنی مفهوم حجاب پوشش، و جلاباب، برداشت صاحب نظران مذاهب شیعه و اهل تسنن نقل گردیده و سعی شده،بطور کامل و جامع بیان شود. لذا سوالی که اینجا مطرح است منظور از حجاب بطور کلی چیست و آیا حجاب محدوده خاصی از نظر علمای دینی شیعه و سنی دارد یا نه؟

مفهوم حجاب و تحلیل واژه های آن

حجاب: از ریشه حجب به معنای پوشش، حجه: ستره او را پوشاند و زن محجوبه: زنی که با پوششی خود را حفظ کند. و نیز به معنای ممانعت از دسترسی آمده است. به این دلیل به پوشش زن، حجاب گفته می

شود چون جلوی دیدن و رؤیت او توسط دیگران را می گیرد و به دربان حاجب می گویند چون مانع ورود می شود.^۲ چهره می کشند طوری که فقط چشمانشان پیداست و نیز «خمار» که پوششی برای صورت زن محسوب می شود محدود می کنند.^۳

در صورتی که اصل کلمه خمار از خمر به معنای پوشیدن چیزی است و خمار وسیله ای است برای پوشاندن و آن عبارتست از پارچه یا مقنعه ای که زن سر خود را می پوشاند.^۴

واژه جلباب: وسیله پوشش، پیراهن، لباس گشادتر از خمار و تنگ تر از ردا که به وسیله آن سر و سینه و پشت زن پوشانده می شود یا آن را روی همه لباس ها می پوشند.^۵ از دیگر کلماتی که در آیات حجاب آمده، کلمه ادناء است از ریشه دنو به معنای نزدیک کردن، انداختن لباس بر روی تن را می گویند.^۶

حجاب از منظر قرآن

«وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ»^۷ علماء طبق این آیه اتفاق دارند بر وجوب حجاب داشتن و پوشاندن صورت، و دلیل خود را در رد کسانی که پوشش صورت را خاص همسران پیامبر می دانند چنین بیان می کنند:

۱- این آیه شامل همه زنان می شود.

۲- زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که مادر مؤمنان (امهات المؤمنین) بودند از نظر قلب و جایگاه معنوی پاکترین زنان دنیا بودند. آنها به غیر از پیامبر به دیگران حرام بودند، با وجود این دعوت به حجاب آنان به منظور تزکیه قلب و روح آنها بوده است پس زنان دیگر شایسته تر به این طهارت هستند.

۳- خداوند فلسفه و هدف حجاب را در این آیه تزکیه قلب معرفی کرده و این علتی است که تحصیل آن در هر زمان و هر مکان مورد توجه است. اگر بگوئیم این حجاب مخصوص زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله و

^۲ ابن عربی، احکام القرآن، ص ۱۱۵

^۳ ابن باز، رساله مبحث فی مسائل السفور و آل حجاب، ص ۲۱۹

^۴ اللبانی، حجاب المرأة المسلمة فی الكتاب و السنة، ص ۲۱۸

^۵ جزائری، فصل الخطاب فی المرأة و الحجاب، ص ۱۰۹

^۶ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ص ۳۴۵

^۷ احزاب: ۵۳

سلم) است بدین معناست که دیگر زنان مؤمن به این طهارت نیازی ندارند. خداوند بعد از این آیه می فرماید «لجناح علیهن فی آبائهن و لانبائهن ول اخوانهن»^۸ ابن کثیر در تفسیر این آیه می گوید: وقتی خداوند زنان را دعوت به حجاب نمود محارم و غیر محارم را مشخص کرد. پس این یک حکم کلی برای همه زنان است.

محدوده حجاب از نظر علمای شیعه و سنی

۱- از نظر علمای شیعه

از وقتی که یک خانم مسلمان به سن بلوغ شرعی رسیده است، با یک زن کامل از جهت احکام حجاب در اسلام، هیچ تفاوتی ندارد. در فقه بیان شده است که چنین خانمی باید تمام بدنش پوشیده باشد. اگر صورت خانم ها زینت یافته باشد، فتوای تمام فقها است که باید پوشیده باشد و اگر از سن امید به جاذبه های جنسی گذشته باشد، مصل پیرزنان در آنجا بر حسب ادله شرعی مسامحاتی را نقل کرده اند که حتی بیرون بودن مقداری از مو هم اشکالی ندارد. بنابراین، مکلفین می توانند صورت و دست ها را با توجه به حدود آن نپوشانند. در مقابل، مردان - بنا به تعبیر قرآن - موظف به پوشش چشم هستند، «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ»^۹

ولی در حد مکالمه و شناسایی عرفی طرف مقابل، مثل معامله، نظر کردن اگر که با لذت همراه نباشد، اشکالی ندارد. الگوی حجاب بعد از نزول آیات آن، پیامبر (ص) و خاندان او بوده اند؛ چنانکه در قرآن می فرماید: قل لزوجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من...^{۱۰}. لذا با توجه به اینکه اول زنان پیامبر مأمور به این امر شدند، این الگو از پیامبر و خاندان او گرفته شده است. بنابراین بعد از آن که خداوند پوشش زینت ها را مورد تأکید قرار می دهد لزوم حجاب اسلامی که از ارکان عملی و ضروریات شریعت اسلام به شمار می رود را مورد توجه قرار می دهد و می فرماید: «و لیضربن بخرمهن علی جیوبهن»^{۱۱} زنان باید با سرانداز خود گردن و سینه ی خویش را بپوشانند.

این بخش از آیه نه تنها وجوب حجاب را بیان می کند که حدود آن را نیز معین می سازد. «خمر» جمع خمار است و در لغت آمده است: الخمار ثوب تغطي به المرأة رأسها؛^{۱۲} خمار لباسی است که زن سر خود را با آن می پوشاند. ابن عباس در تفسیر این بخش از آیه شریفه می گوید: «تغطي شعرها و صدرها و ترائبها و سوافها»^{۱۳} زن موی سر و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند. آنچه می تواند به این فرمان الهی جامه عمل

^۸ احزاب: ۵۵

^۹ نور: ۳۱

^{۱۰} احزاب: ۵۹

^{۱۱} نور: ۳۱

^{۱۲} فیومی، المصباح المنیر، فی غریب الشرح الکبیر. ج ۶۹، ص ۷۹

^{۱۳} طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۲۴

بیپوشاند مقنعه یا روسری بلندی است که علوه بر پوشش کامل سر بر روی گردن و سینه افتد. و از اینجا معلوم می شود، روسری های کوتاهی که گلوی زنان را به ویژه هنگام چرخش سر به طرف راست یا چپ پوشش نمی دهد وظیفه دینی آنها را در برابر دستور پروردگار محقق نمی سازد چه اینکه گره زدن روسری، زنان را در بسیاری از موارد از پوشش کامل گلو و گردن که دستور صریح قرآن است باز می دارد.

اما مقنعه به گونه ای است که گلو و گردن را پوشانده و پایین آن برآمدگی های اندام را می پوشاند و زیر چانه که از وجوب پوشش مستثنا نشده است را به طور کامل پوشش می دهد و احتیاط واجب را که فقها بیان کرده اند که باید کمی از اطراف صورت نیز پوشیده شود تا یقین به انجام دستور خداوند شده باشد. عملی می سازد. از همین رو مقنعه ی ساده از لباس های متین و دوست داشتنی زنان عفیفی است که کمترین تحریک نامحرم را شرم خود می دانند. نکته ی دیگری که از این آیه شریفه استفاده می شود آن است که پوشاندن چهره و دست، واجب نیست. عایشه می گوید: وقتی خواهرش اسماء، با لباس نازک نزد رسول خدا(ص) آمد حضرت از او روگرداند و فرمود: ای اسماء وقتی زن به بلوغ می رسد نباید چیزی از بدن او آشکار گردد مگر این و این و اشاره به دو کف دست و صورتش کرد.^{۱۴} در ضمن از این حدیث استفاده می شود که مرد کمترین محرمیتی با خواهر خانم خود، ندارد. نتیجه اینکه زنان و دختران مکلف باید موی سر و بدن خود را به استثنای صورت و دو کف دست با لباسی که جلب توجه نکند از نامحرم بالغ و پسر بچه نابالغ ممیز بیپوشانند^{۱۵} و بچه ممیز کسی است که مسائل جنسی را که بزرگ ها می فهمند درک کند. البته طبق نص صریح قرآن محارم از این قانون مستثنا هستند و زن می تواند در مقابل آنها حجاب خود را رعایت ننماید. البته اگر آرایش و برهنگی زن سبب تحریک هر یک از محارم شود یا با دید شهوت به او نگاه کنند باید خود را بیپوشاند. فجایع فراوان خانوادگی عبرتی است که زنان و دختران از پرده دری در برابر محارم به ویژه جوانان مجرد بپرهیزند و سزاوار است زن در برابر محارم خود به استثنای شوهر، تقوا و متانت جنسی را حفظ نماید. پاسخ به برخی شبهات کسانی کوشیده اند از طریق فاصله انداختن میان ارزش ها با روش تحقق عینی آنها، میان حجاب با عفاف، تفکیک نموده و حجاب را غیر ضروری، بدانند و حفظ عفت را بدون حجاب هم ممکن دانند. در خصوص اندازه ی وابستگی پوشش با عفاف، استاد مطهری می نویسد: «حیا و عفاف از ویژگی های درونی انسانی است و حجاب به شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش بر می گردد. تفاوت باطن و ظاهر یا روح و جسد و یا گوهر و

^{۱۴} سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۶۴

^{۱۵} طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، فصل فی الستر و السات، ج ۱، ص ۸۹

ظاهری مچ دستها و چهره است که بیشتر فقهای اهل سنت همین نظر را پذیرفته‌اند، هر چند برخی قدمهای پا را نیز اضافه کرده‌اند. قتاده نیز در تفسیر آیه و کلمه زینت مینویسد: «المسکتان و الخاتم و الکحل قال قتاده و بلغنی ان النبی (ص) قال لیحل لمرأة تؤمن بالله و الیوم الآخر ان تخرج یدها ال الی هنا و یقبض نصف الذراع»^{۳۴}. وی در این روایت پس از آن که موارد و مصادیق زینت آشکار را معین میکند، از پیامبر اکرم (ص) نقل میکند که ایشان فرمود زنی که ایمان به خدا و قیامت دارد، جایز نیست، دستانش را بیش از نیمه سابق آشکار کند. مشابه همین روایت را عایشه نیز نقل میکند، هنگامی که یکی از بستگانش نزد وی آمده بود و پیغمبر اکرم (ص) از ایشان روی برگردانید، عایشه میگوید: «خدمتشان عرض کردم او برادرزاده من است، حضرت فرمودند: زن اگر به سن بلوغ رسید، باید بدن خود را بپوشاند، مگر صورت و مچ دستانش را»^{۳۵}. این مضمون در روایت دیگری نیز از عایشه در رابطه با اسماء دختر ابوبکر و برخورد وی با پیامبر (ص) نقل شده است.

در روایت «عکرمه» گردن و گلو نیز اضافه شده است (همان)، در روایات دیگری زیورآلت نیز نام برده شده و آنها را مصداق زینت ظاهری قرار داده است (همان). از آنجا که مقصود از زیورآلت، وقتی است که مورد استفاده قرار میگیرد، معلوم میشود که آشکار شدن دستها و صورت که محل به کارگیری زیورآلت است، جایز میباشد. لذا عمده مفسرین، زینت آشکار را صورت و دستها معنا کرده‌اند. در این راستا طبری پس از جمعبندی اقوال می نویسد:

بهترین نظر، استثناء چهره و دست هاست و در نتیجه سرمه، انگشتر و دستبند نیز از پوشش مستثنی میشوند و دلیل انتخاب این نظر، اجماعی است که از ناحیه فقهاء بر جواز کشف چهره و دستها و لزوم پوشش بقیه قسمتهای بدن هنگام نماز بیان شده است.

پوشش در احکام فقهی اهل تسنن

بحث پوشش و حدود آن در فقه جایگاه مستقلی نداشته و فقط در دو مورد مطرح شده، «ستر در نماز» که یکی از مقدمات و شرایط نماز است.

از آنجا که بسیاری از فقهای اهل تسنن مسأله پوشش و حدود آن را بهطور عام مطرح کرده‌اند، لذا در ابتدا کلمات آنان نقل و سپس مورد نقد و بررسی قرار می گیرد:

شافعی: «و کل المرأة عورة ال کفیها و وجهها و ظهر قدمیها»^{۳۶}: زنان باید همه بدن، غیر از چهره، دس و پاها را بپوشانند، برخی دیگر از علمای شافعی فقط به استثنای چهره و دس تنها تصریح کرده و به پاها اشاره

^{۳۴} همان

^{۳۵} همان

^{۳۶} شافعی، کتاب الام مساله حجاب، ج ۱، ص ۱۰۹

نکرده‌اند.^{۳۷} البته رافعی شافعی مذهب در شرح خود بر «الوجیز» غزالی تصریح میکند: «ولیستثنیٰ ظهور قدمیها»^{۳۸}. یعنی پوشش قد مها واجب بوده و حکم چهره و مچ دست را ندارند. اما برخی نیز معتقدند از دیدگاه شافعی، زنان باید چهره و دستهای خود را هم بپوشانند.^{۳۹}

مالک بن انس رئیس مذهب مالکی معتقد است: «إذا صلت المرأة و شعرها باد او صدرها او ظهور قدمیها فلتعد الصلاة: اگر زنی هنگام نماز سر و سین هاش پیدا باشد یا پشت پایش پوشیده نباشد، نماز را اعاده کند (مالکی ها چهره و مچ دست ها را از پوشش استثناء کرده‌اند).^{۴۰} ابن رشد اندلسی که فقیهی مستقل است نیز به ابوحنیفه نسبت میدهد، پوشش قد مه‌ای زن لازم نیست، همچنین حنبلی ها نیز دو گروه شد هاند، برخی چهره و دست را استثناء کرده‌اند (

ولی بیشتر آنان پوشش تمام بدن زن غیر از صورت را واجب دانست هاند؛ برخی هم آشکار شدن دستها را اجازه نداده یا حداقل در آن تردید کرده اند).^{۴۱}

شوکانی اختلاف آراء فقها را اینگونه بیان م یکنند: «در مقدار عورت زن آزاد اختلاف است، برخی معتقدند همه بدن وی عورت است، مگر چهره و مچ دستها و این نظر برخی از فقه‌های مستقل عصر اول است. شافعی، ابوحنیفه و مالک نیز در یکی از آراء خود این نظر را قبول کرد هاند، برخی دیگر قدمهای پا را اضافه کرد هاند که ابوسفیان ثوری و ابوحنیفه در روایت دوم از وی، بر همین رأی مستقر شد هاند. گروه دیگر به استثنای چهره، تمام بدن زن را عورت دانست هاند، مانند احمد بن حنبل و داود؛ گروه چهارم تمام بدن زن را عورت میدانند بدون هیچ استثنایی که دیدگاه برخی از پیروان شافعی است و از احمد نیز نقل شده و دلیل این همه تفاوت، اختلافی است که در میان مفسرین در رابطه با آیه: «الما ظهر منها واقع شده استبدن»^{۴۲}.

بنابراین مذاهب چهارگانه اهل تسنن پوشش همه بدن زن را غیر از چهره، دس تها و قدمها، در نماز و در برابر مرد نامحرم واجب م یدانند و فقها هم فتوا داد هاند که باز بودن چهره مانعی ندارد، هر چند به دلیل ضرورت و مشقت در پوشش باشد.

^{۳۷} الشربینی، معنی المحتاج، ج ۳، ص ۱۸۵

^{۳۸} عبدالکریم، حجاب و پوشش، ج ۲، ص ۱۱۱

^{۳۹} اسرخسی، اصول السرخسی، ص ۸۹

^{۴۰} السمرقندی، تحفه الفقها، ج ۴، ص ۳۱۱

^{۴۱} بیهوتی، کشف القناع، ص ۸۹

^{۴۲} الشوکانی، حجاب (نیل الوطار)، ص ۹۲

نتیجه

در این مقاله سعی سعی شد که محدوده حجاب از نظر علما مورد بررسی قرار بگیرد، که مفهوم و معنای حجاب چیست و حجاب مورد نظر چه نوع حجابی است .

فرضیه ما طبق آنچه آشکار است اینکه علی رغم آیات صریح قرآن و وجود روایات و احادیث روشن و مورد اتفاق علمای شیعه و سنی، گاهی شاهد صدور فتاوی جدید علمای معاصر برخلاف تعالیم مذاهب شیعه و تسنن اربعه هستیم که بسیار بحث برانگیز بوده و قبل از هر چیز، ثبات و اصالت حجاب را مورد هدف قرار می دهد و در واقع ناخواسته به نوعی وجوب یا عدم وجوب آن را مورد شک و تردید قرار می دهند .

اهمیت این موضوع اینقدر زیاد است که با توجه به امکانات و فضا های اجتماعی سیاسی موجود و تبلیغ و تحریفات ناصحیح در مورد حجاب، باعث تحریف حجاب شده، بگونه ای که برخی بر این تصور اند، که همین روسری سر داشتن بدون پوشاندن موها یا لبا سهای تحریک کننده، همین محدوده حجاب است . اما ما در این مقاله دقیق محدوده حجاب را از نظر آیات و روایات و دیدگاه علمای تشیع و اهل تسنن بررسی کردیم بگونه ای که دیگه این تحریفات جایی برای جولن منکران نداشته باشند.

در نتیجه چنین می توان گفت که هرچند علمای شیعه و سنی پیرامون امر حجاب و پوشش زنان اختلاف نظر دارند اما طبق روایات و نظراتی که مطرح می کنند همگی حد مشترکی به نام وجه و کفین را از واحد حجاب خارج می سازند. لذا حد حجاب پوشش کل بدن بغیر قرص صورت و پوشش دستها تا مچ است.

منابع

• قرآن کریم

۱- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن: «تفسیر القرآن العظیم»، عربستان، مکتبه نزار، ۱۴۱۹ق.

۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر: «التحریر و التنویر» بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.

۳- ابن عربی، محمد: «احکام القرآن»، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۹ق.

۴- ابن قدامه، عبدالرحمن: «الشرح الکبیر»، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ق .

۵- ابن قدامه، عبدالله: «المغنی»، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق .

- ٦_ ابن كثير، اسماعيل بن عمرو: «تفسير القرآن العظيم»، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق .
- ٧_ ابن منظور، محمد: «لسان العرب»، قم، ادب الحوزه، ١٣٦٣.
- ٨_ ابوزيد، نصر حامد: «دوائر الخوف»، بيروت، مركز الثقافي العربي، ١٩٩٥م .
- ٩_ الندلسي، ابن عطية: «المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز»، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٢ق .
- ١٠_ الندلسي، محمد بن احمد بن رشد: «بداية المجتهد و نهاية المقتصد»، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق .
- ١١_ انصاري، مسعود: «ترجمة القرآن»، تهران، فرزانه روز، ١٣٧٧.
- ١٢_ بحراني، شيخ يوسف: «الحدائق الناضرة»، نجف، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٩. ج ٢، ص ١٧
- ١٣_ بيهقي، احمد: «السنن الكبرى»، دمشق، دار الفكر، ص ٩٠١.
- ١٤_ ترمذي، محمد: «سنن الترمذي»، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ق .
- ١٥_ تركاشوند، اميرحسين حجاب، شرعي در عصر پيامبر. قم، موسسه النشر السلامي، ١٤١٧ق.
- ١٦_ جزائري، ابوبكر، فصل الخطاب في المرأة و الحجاب، جدة: مطالع سحر. (١٣٦٥ ش)
- ١٧_ ركني لموكي، غلامرضا، پژوهشكده تحقيقات اسلامي. «احكام آراستگي ظاهري». ١٣٨٩ش.
- ١٨_ زمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دار الكتب العربي، ٦٠٧١ق.
- ١٩_ طوسي، محمد، الخلاف، قم، موسسه النشر السلامي (١٤١٧ق)
- ٢٠_ محمد رشيد رضا، المنار، ذيل آيات نور; نصر حامد ابوزيد، دوائر الخوف، ٢٤٠; و جواد علي، المفصل في تاريخ العرب، ج ٤، ص ٦١٧.
- ٢١_ مطهری، مرتضی، مسئله حجاب. صدارا، تهران (١٣٧٨ ش)
- ٢٢_ معرفت، محمدهادي، التمهيد في علوم القرآن، قم، مطبعه مهر، ١٣٩٦.
- ٢٣_ ويل دورانت، تاريخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمي و...، چاپ سوم: تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامي، (١٣٧١ ش)

